

با وضعیت کنونی نمی توان حجم عظیم فساد را از بین برد!

وجود فساد مالی در میان کارمندان دولت و سیاستمداران کشور ما چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت یا پنهان کرد. زمانی نه چندان دور، شاید هفت - هشت ماه قبل آقای کامرون ضمن دیداری با ملکه انگلستان، افغانستان را از جمله کشور های "فوق العاده فاسد" خواند. بر اساس ارزیابی های سازمان شفافیت بین المللی مقارن همین زمان، کمی پیش یا پس از آن که کامرون افغانستان را یکی از فاسد ترین کشورهای جهان خواند، افغانستان در میان 168 کشور جهان در رده 166، یعنی سومین کشور فاسد جهان شناخته شده بود. دو کشوری که در فهرست منتشره وضعیت بدتر نسبت به افغانستان داشتند، یکی میانمار (رنگون سابق) بود و دیگری سومالی.

هر چند سخن آقای کامرون حقیقت غیر قابل تکذیب و امتناع بود، چند نفر از سیاستمداران و دولتمردان ما، به ویژه یکی دو وکیل مجلس شورای ملی آن را بی حرمتی و اهانت به ملت افغانستان خواندند، که در جای خود قابل بحث است؛ زیرا نه این کارمندان و سیاستمداران فاسد از مردم یا ملت افغانستان نمایندگی می کنند، و نه این سخن آقای کامرون قول "ناحق" و "خلاف حقیقت" بود. پای ملت را در این مسأله شامل ساختن مانور بسیار رندانه سیاسی است که مطرح کنندگان آن می خواهند هم ذهن منتقدین خارجی را ببندند و هم کثافت کاری های خود شان را ناگفته و نادیده نگه دارند. نظر مختصری به صد ها نشریه داخلی و خارجی نشان از آن دارد که سخن آقای کامرون نه بهتان بود، نه از روی غرضمندی ابراز شده بود و نه کامرون با سیاستمداران فعلی کشور ما سر "ناباشمی" و دشمنی داشت.

برای این که دیده شود سخن آقای کامرون تا چه اندازه مقرون به حقیقت است، به چند سرخط از میان صد ها سرخط از چند نشریه یا وبسایت، که از "گوگل" گرفته شده است، به طور نمونه استناد می کنیم:

1- "واکنش مجلس عوام به سخنان جنرال برانگیز کامرون در باره فساد مالی فوق العاده در افغانستان و نیجریه" - اوشیدا.

2- "فساد اداری بیماری بدون درمان در افغانستان" - کابل پوست.

3- "یک مقام سازمان ملل از فساد در نهاد های دولتی افغانستان به شدت انتقاد کرد" - سایت خبری احیا.

4- "چهره کریه فساد مالی در افغانستان" - روزنامه ماندگار.

5- "هشدار دیده بان اصالت افغانستان: فساد مالی بیشتر شده است" - بی بی سی.

6- "متهم شدن مشاور اقتصادی رئیس جمهوری افغانستان به فساد مالی" - خبر و تفسیر؛ از قول محمد رضا عسکری وکیل مجلس. هیأت منتخب غنی به ریاست آقای فاروقی در یک مصاحبه تلویزیونی نیز این موضوع را بعد از یک تحقیقات مفصل تأیید کرد.

و...

قبل از این که روی اصل موضوع تمرکز شود، می خواهم بر اساس ارزیابی سایتی به نام "tradingeconomic" اضافه کنم که پیش بینی شاخص فساد مالی در افغانستان تا سال 2020 - از فصل دوم سال 2017 به بعد تا سال 2020 - نسبت به سال 2016 رو به افزایش است. یعنی برخلاف گفته های غنی میزان فساد نه این که در کشور ما رو به کاهش می گذارد، که باز هم، و بیشتر از پیش، هر چند با یک ممیز، افزایش می یابد. برطبق نوشته مرجع مذکور افغانستان در سال 2020 در رده 138 قرار خواهد گرفت، یعنی از رده 166 به رده 138 نزول خواهد کرد. خلاف آنچه بعضی ها فکر خواهند کرد، این افت با کاهش بدان معنا نیست که در افغانستان نرخ فساد تقلیل می یابد، بلکه دلیل پائین آمدن رتبه افغانستان در میان کشورهای فاسد جهان این است که میزان فساد در برخی از کشورهای دیگر بالا می رود. وقتی نرخ فساد در دیگر کشور ها بالا برود، اگر میزان فساد در افغانستان پائین بیاید یا پائین نیاید، حتی اگر یک یا دو ممیز نرخ فساد بالاتر هم برود، افغانستان در میان کشورهای فاسد جهان در رده پائین تر قرار می گیرد!

شاید پرسیده شود چرا در کشور ما فساد رو به فزونی است، باوجود این که غنی وعده می کند که علیه فساد مبارزه جدی می کند و کشورهای کمک کننده نیز بر این امر تأکید دارند؟ روشن است:

در میان مردمان کشور ایران ضرب المثلی وجود دارد که می گوید: "چاقوهیچ وقت دسته خود را نمی برد." این ضرب المثل به مناسب های گوناگون منطبق به مدعا است. یکی از این مناسبت ها وعده غنی است برای از بین

بردن فساد در کشور. هیچ شکی وجود ندارد که اگر مفسدین کسانی نمی بودند که غنی با آن ها زد و بند های پیدا و پنهان دارد، یا زورمندانی نمی بودند که موجودیت غنی در قدرت را به چالش بکشند و یا کسانی نمی بودند که در روز های انتخابات به گونه های مختلف او را یاری رسانیده بودند، غنی می توانست، به فرض این که خودش با فساد آلوده نمی بود و واقعاً قصد مبارزه با فساد و مفسدین را می داشت، جلو فساد را بگیرد و مفسدین را به پنجه قانون بسپارد، اما طوری که می دانیم هیچ کدام این "اگر" ها عینیت ندارند. نه گذشته غنی شفاف است؛ نه غنی در انتخابات به زور بازو و اعتبار و محبوبیت خود برنده شد؛ نه زور غنی به زورمندان می رسد و نه گذشته این ها بدون همیاری و زد و بند با هم و داد و گرفت بوده است.

زاخیلوال سابق مشاور اقتصادی غنی که فعلاً فکر می کنم کرسی سفارت افغانستان در پاکستان را اشغال نموده است، قرار گذارش هیأت منتخب به وسیله خود رئیس جمهور غنی، پنج میلیون دالر از معامله نفت وزارت دفاع از قراردادی دریافت داشته است. گفته می شود که زاخیلوال در زمان کمپین انتخابات ریاست جمهوری در حدود یک میلیون دالر به غنی کمک کرده است. لطف زاخیلوال را غنی چگونه باید جبران کند؟ یا لطف دوستم را؟ یا لطف احدی را؟ یا لطف مجددی و گیلانی و داوود و خلیلی و نورستانی و امرخیل و کرزی و دیگرانی را که در روز های انتخابات به شیوه های مختلف به وی کمک رساندند؟ تنیدگی افراد فاسد دولتی و سیاستمداران هم عقیده و مطرح با همدیگر به اندازه ای است که قاضی قضات کشور بدون دیدن و بررسی دوسیه زاخیلوال اعلام می کند که اتهامات وارده علیه زاخیلوال بی اساس است. عظامحمد نور، یکی از زورمندان شورای نظار را، به گونه مثال، غنی با تمام "غر و فشش" نتوانست از کرسی ولایت بلخ دور کند. عظامحمدنور، مانند عبدالله عبدالله و صلاح الدین ربانی و احمدولی و احمد ضیاء مسعود و کرزی ها و ده ها تای دیگر، زورمندانی هستند که در پول فساد غرق اند. و محسنی و مجددی خلیلی و محقق و سیاف و همراهان و همسلکان شان که هر روز در هر محفل و مجلس و مهمانی و عید و برات و سالگره ای که از سوی رئیس جمهور برگزار می شود، حاضر هستند و رئیس جمهور هم در برابر شان به احترام خود را "سه لا" می سازد. این ها همه دستیاران و حامیان غنی هستند؛ هر یک در آوردن غنی بر سر قدرت، در بقای قدرت غنی و در دوام ریاست جمهوری اش نقش بازی کرده اند و نقش بازی می کنند. از این رو غنی با هیچ منطقی حاضر نیست (اصلاً توان آن را ندارد که) این ها را که مشوق فساد و سرمشق سائر مفسدان هستند، سرکوب کند و جلو فساد را بگیرد!

یکی از دلایل "ترادینگ اکونومیک"، که رشد میزان فساد را تا سال 2020 در کشور ما پیش بینی نموده است، وجود همین وضعیت می باشد. دلیل دیگر هم این است که کشور های سرمایه داری، برخلاف شکایت های شان، بد شان نمی آید که سرمایه هائی که این ها به افغانستان "پمپ" کرده و پمپ می کنند، به دست یک مشت سرمایه دار بزرگ، که طی سی - چهل سال گذشته در کشور ما به وجود آورده شد اند (فرقی نمی کند تحصیل کرده و با معرفت و پابند اصول اخلاقی یا بیسواد و بی معرفت و بد اخلاق و جنایت پیشه) انباشته گردد تا این ها مانند کشور های خود شان قدرت و سررشته کار سیاست داخلی، اقتصاد و فرهنگ و سیاست خارجی را در کشور تصرف کنند و از پشت پرده سیاستمداران را رهنمائی و کشور را اداره نمایند - به قول عبدالله شهبازی: پلوتوکراسی؛ حکومت اقلیت سرمایه دار را که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بر تمامی جامعه، به خصوص بر تمامی سیاست کشور نظارت دارد و آن را هدایت می کند، به وجود بیاورند.

ماحصل کلام: فساد تا زمانی که کمک های خارجی ادامه می یابد، در سطح بسیار بالا و کلان جریان دارد. بعد از قطع کمک های خارجی، آنگاه که رقابت ها شروع می شود نیز فساد وجود می داشته باشد، اما به شکلی دیگر؛ زیرا وجود فساد و سرمایه و مالکیت خصوصی و خواسته های جائز و ناجائز انفرادی برای ثروتمند شدن با هم منسوج است، یعنی تا سرمایه و مالکیت خصوصی و هر انسانی به فکر خود بودن وجود دارد، فساد هم وجود دارد!